

## سیاهه مطالبات یکی از مالکان خاندان کیا مکارچ کجور بابت باج و خراج صراعت، چراگاهها و املاک کشاورزی در دوره زندیه

امین نعیمائی عالی

مقدمه:

قبل از پرداختن به متن سند ضرورت دارد که نکاتی چند را در ارتباط با این سند بیان دارم:

### (۱) مشخصات ظاهری سند:

سندی که در ادامه، متن آن از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت، برگی از اسناد خاندان کیا مکارچ ساکن منطقه کجور از توابع مازندران است که بر کاغذی فرنگی به رنگ قهوه ای در قطع  $۱۰۹ \times ۳۴۹$  میلیمتر و به خطوط نستعلیق، شکسته تحریری و سیاق با مرکب مشکی نوشته شده است. همان گونه که در تصویر قابل مشاهده است، حواشی راست و چپ سند فرسوده گردیده و در نیمه بالایی آن، آسیب‌های مذکور موجب از بین رفتن بخش کوچکی از متن سند گردید. عمده متن سند بر روی برگ و در چهار ستون نوشته شده و حدود یک هشتم متن و یادداشت کاتب نیز در پشت سند آمده است.

### (۲) اهمیت سند:

با توجه به اهمیت این سند که اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی را درباره غرب مازندران در خود نهفته داشته و در اختیار ما می‌گذارد، مندرجات آن را برای بهره‌مندی پژوهشگران و سایر علاقه‌مندان مفید دانسته، و به انتشار آن مبادرت نمودیم. در این سند نام شش طایفه و خاندان کهن، بیست مرتع و آبادی و حدود بیست نفر از کشاورزان و

دامداران منطقه کجور ذکر گردیده و ضمن اشاره به محصولات کشاورزی و دامی، به اشکال مختلف فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی اشاره شده و نکات مهمی را درباره مناسبات کشاورزی و دامداری، باج و خراج، پول رایج در معاملات، تقویم و گاهشماری و ... در اختیار ما می‌گذارد.

### (۳) پیشینه صاحب سند:

همان‌گونه که اشاره شد، این سند متعلق به خاندان کیامکارج کجور خاندان مذکور یکی از خاندان‌های کهن و اصیل این منطقه است که به استناد مندرجات صدها سند تاریخی دیگر، حداقل از اوایل قرن یازدهم هـ.ق در این منطقه سکونت داشته و بر تعداد قابل توجهی از روستاهای ساحلی و کوهستانی کجور و مراتع و چراگاه‌های بییلاقی، میان‌بندی و قشلاقی مالکیت داشتند. اگر چه تاکنون سندی پیدا نشده است که نقش و جایگاه این خاندان را مشخص ساخته و ارتباط و وابستگی نسبی این خاندان را با سایر خاندان‌های ساکن در این منطقه که نسبت «کیا» دارند روشن سازد، اما بر اساس اسناد موجود می‌توان احتمال داد که این خاندان از جمله خاندان‌های کهن شمال ایران و منطقه رویان و رستمدر دوران اسلامی و کجور قرون متأخر (از قرن یازدهم به بعد) باشند.

### (۴) صاحب سند و مالک املاک:

نام صاحب سند و مالک این املاک در آن ذکر نشده است، اما به استناد اطلاعاتی که از مطالعه سایر اسناد این خاندان به دست آمده است، تردیدی در تعلق این سند و املاک مذکور در آن عصر به خاندان کیا مکارج باقی نمی‌گذارد و به احتمال قریب به یقین، این سند باید متعلق به یکی از اعقاب کیا رستم مکارج کجوری باشد که نوادگان وی این املاک را تا اواخر عصر قاجاریه در اختیار داشتند. این سند را دوست بزرگوارم جناب آقای مجید کیا حیرتی که یکی از اعقاب این خاندان بزرگ است، در اختیار نگارنده قرار دادند که بدین وسیله از حسن اعتماد و همکاری صمیمانه ایشان تشکر و قدردانی می‌نمایم.

### (۵) کاتب سند:

نام کاتب سند نیز در این سند ذکر نشده است، اما بر اساس دو نشانی می‌توان احتمال داد که کاتب نسخه، یکی از پسران ملا محمد هادی طالقانی باشد. اول آنکه کاتب در آخرین جمله سند اشاره‌ای به سایر اسناد مرتبط با موضوع این سند نموده و با عبارات «صاحبی ام آخوند ملا هادی» یاد کرده است. دوم آنکه، خط این نسخه شباهت تامی به خطوط ملا علی مدد طالقانی یکی از پسران ملا هادی دارد. لذا می‌توان احتمال داد که سند مذکور توسط نام برده کتابت شده باشد.

این سند فاقد مهر کاتب است. به نظر می‌رسد که صاحب سند فقط قصد آن داشت که مطالبات خود را به صورت یکجا و خلاصه تنظیم نموده و در فرصت مناسب آنها را حسابرسی و استیفا نماید و قصد وی آن نبود که سند را به فرد یا مقامی رسمی ارائه نماید. لذا به ممه‌هور نمودن سند ضرورتی نداشته و از این

روی، مهر نشده است.

## (۶) تاریخ احتمالی کتابت سند:

سند مورد نظر فاقد تاریخ کتابت است و به صراحت نمی‌توان زمان دقیق کتابت آن را مشخص ساخت. بنابراین برای اثبات تاریخ کتابت سند، ضرورت دارد که از مندرجات متن و سایر شواهد مرتبط استفاده نماییم.

در متن سند، در چند موضع به سال‌هایی که مالک، باج و خراج املاک خود را از مستأجران خود طلب داشت، مطابق تقویم ابوغوری (دوازده حیوانی) اشاره شده است. سنه اودئیل (۲۰بار)، بارس ئیل (۸ بار)، توشقان ئیل (۶ بار)، ایت ئیل و یونت ئیل هر کدام (۱ بار) ذکر شده است. اودئیل سال دوم (گاو)، بارس ئیل سال سوم (پلنگ)، توشقان ئیل سال چهارم (خرگوش)، یونت ئیل سال هفتم (اسب) و ایت ئیل سال یازدهم، سال سگ است.

در بند [۳۲] متن سند در ذکر باج مرتع (اژدها او) آمده است: «از سنه ایت ئیل الی اود ئیل که چهار سال است...»، همچنین در بند [۴۱] آمده است: «ابریشم که پارسال توشقان ئیل الیاس آزاد بری در کران عمل آورده باید محاسبه شود». از این جمله می‌توان درباره تاریخ کتابت سند به این نتیجه رسید که سند در سال بعد از توشقان ئیل یعنی لوی ئیل (سال پنجم، سال نهنگ) نوشته شده است و از مجموع این دو عبارت معلوم می‌شود که مطالبات مذکور در این سند مربوط به دو دوره تقویمی حداقل ۱۵ سال قبل تا سال کتابت سند باشد که اولین سال آن اود ئیل دوره قبل و آخرین سال آن توشقان ئیل دوره بعد بوده و سند باید در سنه لوی ئیل که نزدیکترین زمان به آخرین سال ذکر شده در متن سند است، نوشته شده باشد. سال‌های قمری معادل لوی ئیل پس از انقراض صفویه تا روی کار آمدن قاجار عبارتند از ۱۱۴۷، ۱۱۶۰، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵ و ۱۱۹۸ که به نظر می‌رسد با توجه به زمان مرگ میر محمدحسین که نامش چندبار در این سند آمده است، سال کتابت سند ۱۱۸۵ باشد و مطالبات مذکور نیز مربوط به سال‌های ۱۱۷۰-۱۱۸۴ ق باشد.

در این سند اسامی ملا محمد هادی [طالقانی] و میر محمد حسین [از سادات علی آباد میر] ذکر شده است. زمان تقریبی مرگ این افراد از طریق اسناد دیگر قابل اثبات است و از این طریق نیز می‌توان تاریخ احتمالی کتابت سند را مشخص ساخت.

درباره دعوای بین خاندان سادات علی آباد میر و خاندان‌های دیگر ساکن بلوک کران و خیرود کنار با خاندان کیامکارج در موضوع آب **خونی چشمه** (چشمه گردا - چشمه گرداب)، اسناد تاریخی مختلفی از سال‌های ۱۱۲۰ تا ۱۲۰۰ ق وجود دارد که یکی از آخرین این اسناد، حکم شرعی ملا محمد هادی طالقانی درباره این دعوای طولانی است که در شعبان ۱۱۹۷ ق صادر گردید. اتفاقاً در این سند نیز نام میر محمد حسین و عده‌ای دیگر از رجال آن خاندان ذکر شده است. در تاریخ یاد شده میر کمال یکی از پسران میر محمد حسین مرحوم پی‌گیر دعوای مذکور بود. از ذکر عبارت «مرحوم» پس از نام میر محمد حسین،



می‌توان به این نتیجه رسید که وی باید قبل از تاریخ صدور این سند وفات یافته باشد. از تلفیق مجموعه شواهد و اطلاعاتی که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که سند مورد نظر ما باید در زمانی کتابت شده باشد که ملا محمد هادی و میر محمد حسین هر دو در قید حیات بوده باشند. لذا زمان کتابت سند خاندان مکارج قطعاً قبل از شعبان سال ۱۱۹۷ بودند. حال اگر زمان کتابت سند را یکی از سال‌های لوی ٹیل بدانیم، با توجه به مفاد حکم ملا محمد هادی در سال ۱۱۹۷ و زنده نبودن میر محمد حسین در این سال، سند مذکور حداکثر در سال ۱۱۸۵ کتابت شده است.

## (۷) چند تذکر ضروری:

آخرین نکات قابل ذکر درباره این سند چگونگی قرائت متن، نقل نوشته‌ها، سطر بندی و سایر دخل و تصرفات به عمل آمده در آن است که در چند جمله بیان می‌شود:

۱- چون سطر بندی و ترکیب ظاهری نسخه خطی برای متن چاپی قابل استفاده نمی‌باشد، لذا سطر بندی و حروفچینی متن حاضر متفاوت از سطر بندی اصل نسخه است.

۲- هر بخش یا قسمت از نوشته‌های متن سند با یک شماره در داخل دو قلاب [] مشخص و عین کلمات به همان شکلی که در سند نوشته شده‌اند قرائت و به متن حاضر انتقال یافت.

۳- کلماتی که به صورت متصل نوشته شده بود، به همان شکل و بدون تغییر به متن حاضر انتقال یافت.

۴- مقادیر نقدی و جنسی در اصل نسخه عموماً به خط سیاقی است. چون در قرائت صحیح برخی از آنها به لحاظ شباهت ظاهری کلمات سیاق تردید وجود داشت، لذا احتیاطاً همه آنها را نیز در داخل دو قلاب [] نقل شد.

۵- به جای کلماتی که قابل قرائت نبوده یا قرائت نشده، در داخل دو قلاب [] سه نقطه گذاشته شده است.

۶- اغلب نوشته‌ها فاقد نقطه است بنابراین آنها را نقطه گذاری نموده و در صورت نیاز علائمی مانند ویرگول و نقطه به متن افزوده شد.

۷- توضیحات مربوط به کلمات، واژه‌ها، اصطلاحات و نام‌هایی که نیاز به توضیح داشت، با ذکر شماره‌ای در بالای آنها، در پایان متن با عنوان تعلیقات آورده شده است.

۸- به منابع مورد استفاده در خلال متن اشاره شده است. اگرچه عمده منابع مورد استفاده نگارنده اسناد و نسخه‌های خطی مشابه است که عمدتاً تاکنون منتشر نشده‌اند و استناد به آنها بیشتر بدان سبب بود که در منابع منتشره کمترین اطلاعات درباره این موضوعات وجود دارد.

[ متن سند: ]

>> [۱] تفصیل

وجه از بابت کران <۱> که جماعت مفصله سند دادند ، بدینموجب است:

[۲] تمسک <۲>

باسم آقا میرزا جان [دوازده تومان و پانصد دینار].

[۳] تمسک

باسم میر محمد حسین <۳> [دوازده تومان و پانصد دینار].

[۴] تمسک

باسم میر محمد شریف [ دوازده تومان و پانصد دینار ].

[۵] تمسک

باسم الیاس و بابو و ملاقاسم و تاج الدین آزاد بری <۴> [ ده تومان ].

[۶] تمسک

باسم پنجکرستاقی <۵> [ - - تومان و چهارصد دینار ].

[۷] تنخواه

که به مردم فوق داده ایم بدینموجب است:

[۸] کربلایی بابو و تاج الدین از بابت باج <۶> مرتع <۷> دلم <۸> در سنه اودئیل [سیصد دینار].

[۹] الیاس آزاد بری از بابت مرتع مچه سرا <۹> و ایورد <۱۰> سنه اودئیل [چهارصد دینار].

[۱۰] آقا رحیم شریج <۱۱> از بابت باج مرتع دیرو <۱۲> و پلنگچال <۱۳> در سنه اودئیل [سیصد دینار].

[۱۱] کربلایی قاسم آزاد بری [بابت] باج مرتع دستک سر <۱۴> و پره بنک <۱۵> اودئیل [چهارصد دینار].

[۱۲] آقا سلیم باج مرتع پلیم کوتی <۱۶> که به گالشهای خان داده چراخور <۱۷> نموده اند و باج را خود

گرفته [سیصد دینار].

[۱۳] باج مرتع کانی <۱۸> که در سنه اودئیل آقا سلطان <۱۹> چراخور نموده باید محاسبه شود [سیصد

دینار].

[۱۴] باج مرتع زمستانی ران <۲۰> که آقا سلطان چراخور نموده باید که در سنه اودئیل باج را محاسبه

نمایند [دو تومان و پانصد دینار].

[۱۵] از بابت باج سنه اودئیل دو من باجیه مرتع ایلکر <۲۱> رسد <۲۲> اینجانب که آقا سلیم چراخور نموده

باید محاسبه گردد [چهارصد دینار].

[۱۶] دشت کران <۲۳> که در سنه اودئیل آقا سلیم گاو آورده چراخور نموده باج آن [یک تومان].

[۱۷] در سنه مزبور آقا سلیم مادیان در دشت کران آورده چراخور نموده اند [سیصد دینار].

[۱۸] مزد پاییزه محمد رضا طالش <۲۴> که در سنه اودئیل که در زمین آقا سلیم کار کرده و بلوک را

ضبط نموده باید محاسبه شود [ ... ... ].

[۱۹] ایضاً مزد پاییزه مرتضی کاردگر <۲۵> که در سنه اودئیل آقا سلیم ضبط [نموده] و باید محاسبه شود [ ... ] .

[۲۰] ایضاً مزد پاییزه صادق سنگار <۲۶> که در سنه مزبور کار کرده باید آقا سلیم محاسبه نماید [ ... ] .

[۲۱] دوشاب <۲۷> که در کران آقا سلیم برده باید محاسبه نماید [هشت] رطل <۲۸> .

[۲۲] باج مرتع کانی که در سنه بارس ئیل آقا سلطان به او طار بیک <۲۹> باج داده و باج خود را گرفته ضبط نموده باید محاسبه شود [سیصد دینار] .

[۲۳] باج مرتع ایلکر در سنه اودئیل رسد اینجانب که آقا سلیم چراخور نموده باید محاسبه شود [چهارصد دینار] .

[۲۴] مرتع پشته <۳۰> که در سنه اودئیل میرمحمد حسین چراخور نموده [هشت هزار دینار] .

[۲۵] ایضاً در سنه مزبور میرمحمد حسین گاو خود را در دشت کران آورده چراخور نموده [سیصد دینار] .

[۲۶] جماعت آزاد بری، کربلایی بابو و الیاس گاو را در سنه اودئیل در دشت کران آورده چراخور نموده اند باج [پانصد دینار] .

[۲۷] بابو آزاد بری دوشاب در کران در سنه اودئیل برده باید محاسبه شود [ده من] رطل .

[۲۸] کربلایی قاسم آزاد بری دوشاب در سنه اودئیل در کران برده باید که محاسبه شود [ ... ] رطل .

[۲۹] باج مرتع لتار <۳۱> که در سنه اودئیل میرمحمد حسین چراخور نموده باید محاسبه شود [دو هزار و پانصد دینار] .

[۳۰] باج مرتع خطیره بن <۳۲> که در سنه اودئیل میرمحمد شریف چراخور نموده باید محاسبه شود [هشت هزار دینار] .

[۳۱] باج مرتع پشته که در سنه بارس ئیل میرمحمد حسین چراخور نموده باید محاسبه شود [هشت هزار دینار] .

[۳۲] باج مرتع اژدها او <۳۳> که میر قاسم <۳۴> چراخور نموده باید محاسبه شود از سنه ایت ئیل الی اودئیل که چهار سال است [سیصد دینار] .

[۳۳] مرتع خطیره بن که در سنه بارس ئیل الیاس آزاد بری چراخور نموده باید محاسبه شود [چهارصد دینار] .

[۳۴] در سنه بارس ئیل گاو الیاس در دشت نیرنگ <۳۵> چراخور نموده باید محاسبه شود [چهارصد دینار] .

[۳۵] گاو کربلایی قاسم در سنه بارس ئیل در دشت نیرنگ چراخور نموده اند باید محاسبه شود [سیصد دینار] .

[۳۶] ایضاً باج مرتع مزبور سنه بارس ئیل که میر هاشم باید بدهد [چهارصد دینار] .

[۳۷] گوسفند الیاس و کربلایی بابو در سنه بارس ئیل در دشت کران چراخور نموده اند باید محاسبه شود [دو هزار و پانصد دینار] .

[۳۸] خراج <۳۶> زمین شلتوک زار که در سنه بارس ئیل الیاس و بابو آزاد بری در کران برده اند باید







سیاهه مطالبات یکی از مالکان خاندان کیا مکارج کجور.../ امین نعیمائی عالی

محاسبه نمایند. برنج [هشت تومان و شش هزار و پانصد دینار].

[۳۹] خراج زمین کران در سنه توشقان ٹیل آقا سلیم برده شلتوک [ده تومان و هشت هزار دینار .....].

[ ادامه متن در پشت سند درج گردیده است. مندرجات پشت سند چنین است:]

[۴۰] خراج زمین حیرت (۳۷) که در سنه یونت ٹیل کربلایی قاسم آزاد بری ارزن (۳۸) کرده باید محاسبه شود [هزار و دویست دینار].

[۴۱] ابریشم (۳۹) که پارسال توشقان ٹیل الیاس آزاد بری در کران عمل آورده باید محاسبه شود [ ... [ بیست] درم (۴۰) [ده] درم.

[۴۲] سلیم آزاد بری ابریشم در کران عمل آورده باید محاسبه شود [ ... [ بیست و پنج] درم [ ده] درم.

[۴۳] ابراهیم آزاد بری ابریشم [ ... [ پنج] درم [ده] درم.

[۴۴] حسن آزاد بری و هادی در کران در سنه توشقان ٹیل گردو جمع کرده اند باید محاسبه شود دوازده هزار عدد [هشتصد دینار].

[۴۵] دوشاب ترش و شیرین عمل آورده اند در سنه مزبور [هشت] رطل.

[۴۶] در سنه مزبور الیاس آزاد بری گردو شش هزار عدد [ سیصد دینار].

[۴۷] ایضاً دوشاب ترش و شیرین در سنه مزبور [هشت] رطل.

[و در یادداشتی دیگر درباره سوابق این حسابها و سایر اسناد و مکتوبات آمده است:]

[۴۸] و سایر کتب (۴۱) و مفتوح و قطعات به موجب سیاهه علی حده بوده که در نزد صاحبی ام آخوند

ملا محمد هادی (۴۲) می باشد بر آن صاحبی ام معلوم و مشخص است.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## تعلیقات:

**۱- کران:** به معنی ساحل، نام یکی از بلوک (دهستان) ساحلی و یکی از آبادی‌های قدیم کجور است. طبق اسناد موجود از عصر صفویه، بلوک کران شامل منطقه و آبادی‌های واقع در سواحل دریای خزر حدفاصل رودهای چالوس و ماشلک بود و آبادی‌های مهم آن عبارت بودند از: کران، الرم، پالوجده، دهگری، حیدرآباد سمنگان، خرتاب دشت، سته ده، شهر کلا، هلو استان، حمزه رضا (کوشک سرای امروزی)، سنگ تجن، نیرنگ، خاچک و گیل کلا. و قریه کران مهمترین آبادی این بلوک و مرکز آن بود. این تقسیمات کشوری قدیم در زمان معاصر نیز تا حدودی رعایت گردیده و اکنون بخشی از منطقه ساحلی مذکور به عنوان دهستان کران و از توابع چالوس محسوب می‌گردد و بخش شرقی به عنوان حومه نوشهر محسوب می‌شود.

**۲- تمسک:** دکتر محمد معین آن را به معانی دستاویز، حجت و سند آورده است (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۱۴۱) در این جا منظور آن است که مدعی، مبلغی را به نام‌برندگان پرداخت نموده و از آنها سند رسید اخذ نموده که در نوشته حاضر از آن اسناد با عنوان تمسک یاد شده است.

**۳- الف) میر محمد حسین:** از رجال خاندان سادات علی آباد میر کجور بود. طبق مندرجات اسناد مرتبط با این خاندان، نام‌برده قبل از سال ۱۱۹۷ ق وفات نمود. در اسناد قابل توجهی که از این خاندان موجود است، می‌توان اطلاعات نسبتاً روشنی از پیشینه خاندان مذکور از اوایل عصر صفویه به دست آورد. در نسب نامه مفصلی که از این خاندان موجود است، این خاندان از اعقاب حسین اصغر یکی از پسران امام سجاد (ع) می‌باشند. همچنین اعقاب و سایر بستگان میر محمد حسین در شهرستان نوشهر و آبادی‌های حومه آن، از جمله علی‌آباد میر سکونت دارند. مجموعه‌ای از اسناد این خاندان گردآوری شده است که امید است در آینده‌ای نزدیک به صورت کتابی مستقل منتشر شود. **ب) میر محمد یوسف:** وی نیز از دیگر رجال همان خاندان است و وفات وی نیز طبق اسناد مذکور در سالهای قبل از سال ۱۱۹۷ ه. ق می‌باشد.

**۴- آزادبری:** از جمله خاندان‌های قدیمی ساکن منطقه کجور بودند که اصالت آنها از قریه آزاد بر واقع در جنوب غربی گردنه کندوان است و از عصر صفویه با منطقه کجور مراد داشته و به مرور به این منطقه کوچیدند. اعقاب این خاندان اکنون با نام خانوادگی آزادیان در آبادیهای مختلف نوشهر و چالوس سکونت داشته و موطن بیلاقی این خاندان روستای دلسم کجور است.

**۵- پنجک‌رستاقی:** پنجک از جمله بلوک (دهستان) قدیمی کجور است که در منتهی الیه غربی کجور قرار داشته و از غرب به رود چالوس و کلارستاق، از شرق به بلوک زانوس رستاق، از شمال به بلوک کران و از جنوب به منطقه کوهستانی شهرستان نور محدود می‌شود. این دهستان اکنون نیز از جمله دهستان‌های وسیع کجور است که بیش از ۲۰ آبادی را شامل می‌شود.

**۶- باج:** دکتر محمد معین آن را در چند معنی مختلف آورده است که نزدیکترین معنی به مقصود ما این است: مبلغی که به بهای اجاره زمین به عنوان مرتع برای چرای گوسفندان واگذارند، دهند. (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۴۳۲) در عرف محلی شامل مال‌الاجاره یکساله یک مرتع یا چراگاه بود که توسط مالک

از مستأجر به صورت نقدی یا جنسی (محصولات دامی) اخذ می‌شد. نگارنده اجاره‌نامه‌ها و مبیعه‌نامه‌های متعددی را در این موضوع شناسایی و گردآوری نموده است که محتوای آنها منبع معتبری برای تحقیق در این حوزه است.

**۷- مرتع:** اصطلاحاً به چراگاه دام، مرتع گفته می‌شود. اما در این اسناد مراتع به معنی دقیق‌تری به کار رفته است. هر مرتع دارای حد و حدودی دقیق است و در اغلب موارد حتی حدود اربعه آنها نیز ذکر شده است. دامداران قدیمی این منطقه معمولاً در طول سال در سه مرتع یا ملک دام‌های خود را نگهداری نموده و علوفه می‌دادند. مرتع و ملک بهاره و پاییزه که در میان بند قرار داشت، مرتع تابستانه که در منطقه کوهستانی و بیلاقی قرار داشت و مرتع و ملک زمستانی که در حواشی دامنه‌های منتهی به مناطق ساحلی قرار داشت. هر مرتع و ملک نیز دارای یک محل استقرار و تأسیسات مورد نیاز دامداری بود که به آن مکان سری (سرا) می‌گفتند.

**۸- مرتع دلم:** نام منطقه ای گرمسیری در پنجکرساق کجور است که از شرق به روستای حیرت، از غرب به روستای کینس، و از جنوب به روستای دشت نظیر محدود می‌شود. بر اساس آثار و شواهد تاریخی موجود این منطقه در ادوار قبل از اسلام تا قرن هفتم ق مسکون بوده و روستایی به همین نام نیز وجود داشت. ابن اسفندیار نیز از آن به عنوان یکی از عجایب مازندران یاد نمود. وی در این باره می‌نویسد: «تاریخ به ناحیت کلار دیهی است دلم گویند هر که را بدان دیه بزایند، عمرش از بیست سال برنگذرد.» (تاریخ طبرستان، ص ۸۷). فحوای کلام ابن اسفندیار بر می‌آید که وی این روایت را از دیگران شنیده بود و خود آنجا را ندیده یا اطلاع دقیقی از آن نداشت لذا آن را از جمله دهات کلار ذکر نمود که به واسطه همجواری کجور و کلارستاق این اشتباه سهوی قابل اغماض است.

**۹- مرتع مچه سرا:** مچه نام نوعی علف خودرو است که بتعلیف دام‌ها از آن تغذیه می‌کنند. دکتر معین نیز آن را در معنی گیاه به کار برده و با گیاه برغست یکی دانسته است (فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۸۸۴ و ۳۸۸۷). **سرا:** به معنی منزل چوپانان و محل توقف فصلی آنها در یک مرتع و ملک دامداری بود. هر یک از دامداران معمولاً در هر فصل مرتع معینی را برای علوفه دادن دام‌های خود در اختیار داشته و یا از مرتعداران دیگر اجاره می‌کردند و نقطه‌ای از همان مرتع که برای سکونت دامداران حداقل برای یک فصل مناسب باشد برمی‌گزیدند که آن نقطه به مرور به عنوان منزلگاه ثابت برای سال‌های بعد نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. به چنین جایگاهی سرا گفته می‌شود. و به زبان محلی به این مکانها «سری» می‌گویند. مچه سرا نیز یکی از همین مراتع بود که در حدود ۳ کیلومتری شرقی روستای حیرت قرار داشته و تا اواخر عصر صفویه در مالکیت خاندان پاشای کجور بود و در سال ۱۱۴۳ ه.ق به خاندان کیامکارج فروخته شد. مرتع مذکور اکنون جزء حومه شرقی روستای عالی دره محسوب می‌شود. در واقع روستای مذکور در اوایل عصر قاجار در کنار این مرتع و مرتع اول دره بنا گردید.

**۱۰- مرتع اُپورد:** این مرتع نیز از مراتع خاندان مکارج بود که حسب اظهارات چوپانان قدیمی از مراتع میان‌بندی و ملک پاییزه و بهاره محسوب می‌گردید. این مرتع در جوار مرتع اژدهاها قرار داشت. نام

این مرتع نیز در اسناد قدیمی دیگر آمده است.

**۱۱- شریج:** از جمله خاندان‌های قدیمی کجور، خاندان شیرج است. در اسناد سال‌های ۱۰۲۰ نام طایفه شیر آمده است که در آن زمان در قریه خوشکان کجور سکونت داشتند. احتمال دارد که نام شریج تحریف شده، تغییر یافته و یا تلفظ عامیانه و گفتار محاوره‌ای همان نام باشد. بنا بر روایت‌های شفاهی، برخی اصالت این خاندان را از منطقه تنکابن می‌دانند که اسناد تاریخی موجود این مسئله را تأیید نمی‌کند. در اواخر عصر زندیه این طایفه در روستاهای ساحلی بلوک خیره رود کنار کجور سکونت داشته و بیلاق آنها روستای ویسر بود. اعقاب این خاندان اکنون به نامهای خانوادگی مختلفی چون شریفی، کاظمی، جیلانی و ... شهرت دارند.

**۱۲- مرتع دیرو:** از جمله مراتع متعلق به خاندان سنگاری کجور بود که در سال ۱۰۸۳ به خاندان مکارج فروخته شد. در اسناد قدیمی دیگر نیز به کرات نام آن در مبیعه نامه‌ها و اجاره‌نامه‌ها آمده است. این مرتع نیز از جمله مراتع میان بندی بوده و ملک بهاره و پاییزه محسوب می‌شد. این مرتع طبق سند مذکور در سرچشمه‌های غربی رود ماشلک قرار داشت.

**۱۳- مرتع پلنگچال:** از دیگر مراتع خاندان مکارج مرتع پلنگچال بود و از جمله املاک زمستانی محسوب می‌شد. طبق اظهارات معمرین و چوپانان قدیمی، این مرتع در جنوب شهر نوشهر فعلی و نزدیک روستاهای علی آباد، موسی آباد و آبدانک واقع است.

**۱۴- مرتع دستک سر:** از جمله مراتع میان بندی کجور بود. در اسناد موجود ذکری از محل وقوع و حدود اربعه آن نشده است و از معمرین درباره آن تحقیقاتی به عمل آمد که به نتیجه‌ای نرسید.

**۱۵- مرتع پَرَبَنک:** از جمله مراتع میان بندی کجور است که به عنوان ملک پاییزه مورد استفاده دامداران قرار می‌گرفت.

**۱۶- مرتع پلیم کوتی:** از جمله مراتع میان بندی است که در جوار مراتع بهارسرا، خرم سرا و ورگان سرا در جانب شرقی رود چالوس در فاصله حدود ۱ کیلومتری پلیس راه فعلی چالوس-کرج واقع است. این مرتع تا سال ۱۱۶۹ در مالکیت خاندان قصاب بود و سپس به خاندان مکارج انتقال یافت.

**۱۷- چراخور:** چراگاه (فرهنگ معین ج ۱، ص ۱۲۷۵) در اصطلاح محلی یعنی استفاده کردن از یک منطقه برای چرای دام.

**۱۸- مرتع کانی:** از جمله مراتع و املاک متعلق به خاندان‌های پاشا و مکارج بوده و جزء املاک تابع قریه ساروس کجور بود. در اغلب اسناد مرتبط نام آن با ساروس آمده است. محل وقوع آن جانب شرقی رود چالوس حد فاصل پل ذغال فعلی تا حدود پیچ سردیک است و به «بالا کانی» و «پایین کانی» شهرت دارد.

**۱۹- آقا سلطان:** از جمله رجال خاندان شیرج بود و در اسناد متعلق دیگر نیز نام وی آمده است.

**۲۰- مرتع ران:** از جمله مراتع وابسته به قریه ساروس بود. در برخی از اسناد نام آن «رانده» ذکر شده و در اغلب اسناد مربوط به سالهای ۱۰۲۲ تا ۱۱۴۴ نام آن با ساروس، کانی و دمه با هم آمده است.

بسم الله الرحمن الرحیم  
در این سرانجام و مصلحت  
دقظت کجور و کجور  
نمودم در هر امر اولاً غایت از  
عسیرین العسیرین نمودم و کجور

خواجه زینب حسرت  
در این سرانجام و مصلحت  
تمام از اول و اول  
کوه سالی کجور  
ادب

ابو سعید کوه سالی  
القای اول و اول  
عبد آفرین کوه  
عبد آفرین کوه  
عبد آفرین کوه

ابو سعید کوه سالی  
در این سرانجام و مصلحت  
تمام از اول و اول  
کوه سالی کجور  
ادب

**۲۱- مرتع ایلکر:** از جمله مراتع متعلق به خاندان گندیس پنجکرستاق کجور بود که در اغلب اسناد اواخر عصر صفوی نام آن با مراتع ایلکرپشته، رمه سی و بادکنسی با هم آمده است. این املاک در دوره افشاریه به خاندان بنای کندلوس فروخته شد.

**۲۲- رَسَدُ:** در لهجه محلی کجور به معنی سهم و حصه است و معنی دیگر آن، تقسیم کردن مال مشترک بین شرکاء است رسدکردن به معنی تقسیم کردن در محاورات محلی به کار می‌رود.

**۲۳- دشت کران:** با توجه به ذکر آن در چند موضع از این سند، می‌توان احتمال داد که در آن زمان دشت کران نام خاص منطقه معینی بوده و با بلوک کران که شامل کل منطقه می‌باشد، متفاوت بود.

**۲۴- طالش:** نام منطقه‌ای در غرب گیلان است. در این سند نام یکی از طوایف ساکن کجور است که اصالتاً از طالش بودند و به این منطقه مهاجرت نمودند. در اسناد دیگر عصر صفوی اسامی افراد زیادی از این خاندان آمده است که حاکی از مهاجرت گسترده آنها به این منطقه است.

**۲۵- کاردگر:** از دیگر اقوام بومی منطقه کجور طایفه کاردگر بود. در تعداد قابل توجهی از اسناد تاریخی نام این خاندان آمده است. در منطقه کجور فعلی خاندانی به این اسم شهرت ندارد اما در شهرستان آمل هم اکنون روستایی به نام کاردگر محله و افرادی با نام خانوادگی کاردگر سکونت دارند که احتمالاً از اعقاب این خاندان یا بخشی مرتبط با این خاندان باشند.

**۲۶- سنگار:** از دیگر خاندان‌های ساکن منطقه کجور است. به گواهی اسناد تاریخی دیگر خاندان سنگار نیز حداقل از قرن ۱۱ هجری در منطقه کجور سکونت داشته و از بومیان این منطقه محسوب می‌شوند. مرتع دیرو تا سال ۱۰۸۳ در مالکیت این خاندان بود و در اسناد متعدد دیگر نیز نام افرادی از این خاندان آمده است. در حال حاضر جمع قابل توجهی با نام خانوادگی سنگاری در شهرهای چالوس و نوشهر سکونت دارند.

**۲۷- دوشاب:** حسن عمید آن را به معنی شیر، شیره انگور و خرما که جوشیده شده باشد آورد (فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۱۶۰). در متن اشاره به دوشاب ترش و شیرین شده است. دوشاب ترش را از غوره و دوشاب شیرین را از انگور به دست می‌آوردند. ذکر آن در چند مورد، شاید نشان از کثرت تولید و اهمیت آن در اقتصاد آن زمان باشد.

**۲۸- رطل:** حسن عمید آن را در معنی واحد وزن و مقیاس وزن مایعات برابر با ۱۲ اوقیه یا ۸۴ مثقال ذکر نموده است. این وزن در جاهای مختلف تفاوت داشت. وزنی که در ایران یک رطل گفته می‌شد، معادل ۱۰۰ مثقال بود (فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۲۴۰). در منطقه کجور رطل را لطر یا لتر تلفظ می‌کنند که تغییر یافته یا تلفظ عامیانه همان واژه است. بنابر تحقیقات محلی و اظهارات معمرین، هر رطل معادل سه دازه است و به وزن امروزی بیش از ۳ کیلوگرم را شامل می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، این مقیاس در اغلب مناطق با یکدیگر متفاوت بود، بنابراین پرداختن به جزئیات آن از حوصله این مقاله خارج است و خوانندگان محترم را به مقاله «اوزان و مقادیر در مازندران» نوشته آقای علی صادقی ارجاع می‌نمائیم. (مجموعه مقالات در گستره مازندران، دفتر دوم، ص ۱۱۹-۱۳۱)



**۲۹- اوطاریک:** به نظر می‌رسد این اسم متعلق به غیر بومیان و غیر مسلمانان و احتمالاً از اسامی ارمنی و گرجی باشد. در هیچ‌یک از اسناد مکشوفه در این منطقه تاکنون چنین نامی دیده نشده است.

**۳۰- مرتع پشته:** طبق مبیاعه نامه ۱۰۲۱ نام کامل این مرتع پشته لر بوده که به خاندان شیر قریه خوشکان تعلق داشت. این مرتع در جوار مراتع اژدهاها، رمه سو، لوبن در حاشیه غربی رود ماشلک قرار داشته و از جمله مراتع میان بندی و املاک بهاره و پاییزه محسوب می‌گردید.

**۳۱- مرتع نثار:** از جمله مراتع میان بندی و املاک زمستانی کجور بود. در مبیاعه نامه سال ۱۰۳۴ از آن به عنوان مراتع واقع در میسرات کران کجور یاد شده است. این مرتع تا آن زمان به خاندان خسکانج تعلق داشته و سپس به خاندان بنا فروخته شد و آنان نیز در سال ۱۰۴۶ مرتع را به خاندان پاشا انتقال دادند.

**۳۲- مرتع خطیره بن:** از دیگر مراتع قشلاقی کران کجور بود که در حاشیه جنوبی روستای اشکاردشت و لاروسر و کمربندی چالوس به نوشهر فعلی واقع گردیده و با مراتع لجنی، ورگاوچ، شاهرود و گزرک هم‌جوار است.

**۳۳- مرتع اژدهاها:** از جمله مراتع میان بندی کجور است که در جانب شرقی مرتع جیردوشک قرار دارد. نام آن در مبیاعه نامه ۱۰۲۱ آمده است. در برخی اسناد نام آن را اژداو ذکر نمودند و در بین بومیان اژدهو نیز تلفظ می‌شود. این مرتع در سال ۱۱۸۰ توسط خاندان سنگار به خاندان سادات علی آباد میر انتقال یافت.

**۳۴- میر قاسم:** از جمله سادات علی آباد میر و آبدانک بود و سوابق او در پیشینه آن خاندان قابل مطالعه است.

**۳۵- دشت نیرنگ:** روستای نیرنگ نیز از جمله روستاهای کهن کجور است که اکنون در فاصله حدود ۲ کیلومتری جنوب شهر نوشهر فعلی واقع است. در بسیاری از اسناد عصر صفوی نام آن ذکر شده و در سرشماری سال ۱۰۵۴ از خاندان‌های شیخ، درزی، شاه میر، کاردگر، آهنگر، پالان دوزو... به عنوان زارعان این آبادی یاد شده است که حاکی از موقعیت اقتصادی مهم این آبادی است.

**۳۶- خراج:** بابت اجاره مراتع و چراگاه معمولاً توسط مالکان باج دریافت می‌شد و بابت اجاره زمین کشاورزی خراج دریافت می‌شد. این خراج‌ها اغلب به صورت جنسی و از محصولات کشاورزی به دست آمده از زمین بود.

**۳۷- حیرت:** یکی از روستاهای کهن کجور است که در دهستان پنجکرستاق قرار دارد. طبق آثار موجود و قلعه‌ای که در جانب غربی این آبادی قرار دارد، باید یکی از مراکز قدرت سلسله محلی بادوسپانان، قبل از عصر صفویه باشد. اگرچه در منابع تاریخی موجود ذکری از آن نشده است، اما در اسناد کجور از سال‌های ۱۰۵۰ به بعد، نام آن به اشکال «هیرت، حیرت، هرت» به کرات ذکر شده و اقوام مختلفی چون گندیس، پاشا، سرخ، کیماکارج، عراقی، طالقانی، کرکبودیو... از جمله ساکنان این آبادی بودند.

**۳۸- ارزن:** نام یکی از غلات است که دانه‌های آن شبیه کنجد است. در گذشته به عنوان یکی از

اقلام غذایی رایج در خانواده‌های طبقات فقیر بود. در لهجه محلی «گورس» تلفظ می‌شود و اصطلاح «گورس پلا» برای اغلب روستائیان قدیمی نامی آشناست.

**۳۹- ابریشم:** همان گونه که می‌دانیم استان‌های شمالی ایران از مراکز مهم تولید ابریشم بودند و در اغلب منابع تاریخی از ابریشم به عنوان یکی از فرآورده‌های شمال ایران یاد شده و از عصر صفویه ابریشم شمال ایران در تجارت بین‌المللی ایران نقش عمده‌ای را ایفا نمود. در اغلب روستاهای ساحلی کجور نیز پرورش کرم ابریشم رواج داشت که در اسناد تاریخی موجود، اطلاعات مفصلی درباره این مراکز وجود دارد و روستای کران نیز از جمله این آبادی‌هاست که در سند مذکور از ابریشم آن به عنوان یکی از اقلام تولیدی و اقتصادی یاد شده است.

**۴۰- درم:** یکی از واحدهای اندازه‌گیری وزن در مازندران و برخی دیگر از مناطق ایران بود. طبق بررسی‌های بدست آمده و اظهارات بومیان، در منطقه کجور هر درم معادل  $2/25$  تا  $2/5$  سیر وزن داشت و هر دوازده درم را یک دازه (دوازده) می‌گویند. درباره جزئیات این واحد وزن و تبدیل آن به سایر واحدهای بزرگتر و کوچکتر نیز مراجعه به مقاله «اوزان و مقادیر در مازندران» مفید است.

**۴۱- سایر کتب:** حسب اشاره‌ای که کاتب سند نموده است، مشخص می‌گردد که هر یک از موضوعات مندرج در سند دارای سوابق مفصل و مستقلی بوده و سوابق مورد اشاره نیز در اختیار ملامحمد هادی طالقانی که از نزدیکان کاتب این سند بود، قرار داشت.

**۴۲- آخوند ملامحمد هادی:** ملامحمد هادی طالقانی یکی از علمای دوره افشاریه و زندیه بود. وی طبق آثارش فرزند ملا محمد علی، ابن ملا عبدالغنی ابن ملا محمد نعیم (ملا نعیم) طالقانی است. نسخه‌های خطی قابل توجهی از او موجود است که نسخه‌برداری از تألیفات مهم دیگران و برخی نیز از تألیفات خود اوست. از جمله آثار قابل توجه او می‌توان به ترجمه و تفسیری از قرآن اشاره کرد که نسخه‌هایی از آن در نزد اعقاب او موجود است. همچنین بسیاری از اسناد این منطقه توسط وی نوشته شده و یا به تأیید او رسیده و مؤید آن است که وی در عصر زندیه انجام امور شرعیه مناطق کجور و کلارستاق را بر عهده داشت. این آثار حاکی از جایگاه علمی و مذهبی ویژه او در این منطقه است. با توجه به کثرت آثار وی از سالهای ۱۱۶۰ به بعد، می‌توان احتمال داد که وی در این دوران در منطقه کجور و به احتمال غریب به یقین در روستای حیرت سکونت داشته باشد. مرحوم ملا محمد هادی در فاصله سال‌های پس از ۱۱۹۷ - ۱۲۰۳ ق وفات یافته و در گورستان قدیمی حیرت مدفون گردید. با توجه به مقام علمی و معنوی وی همواره مورد توجه و احترام مردم بود. از این روی، پس از مرگش بر مزار او بنایی ساختند که بخشی از آن بنا، در طی سال‌های گذشته بر اثر عوامل طبیعی تخریب گردید و اکنون نیازمند مرمت و توجه جدی است.

ملا محمد هادی فرزندان متعددی داشت که جملگی در زمره علمای عصر خود بودند. شرح زندگی و آثار هر یک از آنها مقالات جداگانه و مفصلی را می‌طلبند که از حوصله این بحث خارج است.